



نهم فوریه ماه فرانسه ۱۲۹۶  
هر کس اخبار و اطلاعات علمی بداد الطنا  
همایون بفرستد درین روزنامه  
باسم خود او نوشته خواهد شد

شرحی متعلق بمعالجه مرض سل و انکشاف جدیده مفید آن در  
روزنامه سنت پترزبورغ مسطور است که برای عموم  
ناس خاصه اطبای مالک زاید الوصف سودمند است  
لهذا ما ترجمه آنرا در دو سه نمره مینگاریم و ههو هذا

### صورت مختلفه سید

داوس

مدتی بران بودند که مسلوبین حکم بجلالت خود دارند ولی  
درین سنوات اخیر که علوم طبیه در کمال ترقی است این مرض  
با خطر معالجه شده است و توجه صحیح و دقیق در تعبیر  
تشریحی که عبارت از علامات مرضی باشند و بسیار اختلاف  
دارند شده است و اسباب این تغییرات را توانسته معین  
نمایند و اینها در درجه معتدلی برای متوقف نمودن مرض <sup>علاج</sup>  
مخصوصه بدست آورده اند چنانکه بعد ازین بطور حتم اطبا  
حکمی بطدر حق مسلوبین نمیکند مگر اینکه مرض بد درجه اخیر  
رسیده باشد و بعضی انکشافات جدید نیز ممد و معین بر  
برطرف کردن ان مرض کرده اند و غرض ما معالجه است که باستعمال  
ماء الحین ترش شده و منقلب کرده ما در بان در ابالت سامان  
میشود و معالجه معموله در گور برس در فاست که جزو سید <sup>علاج</sup>  
و اینها معالجه متداوله در داوس که جزو سوپس است میباشد  
با وجود ارتفاع زیاد بکه داوس از سطح دریا دارد و با وجود سختی  
هوای آن که برودت هوا در زمستان گاهی اوقات به بیست و سه  
از میزان الحرارة رؤس میرسد

و اینها ما اینست که در دو سه نمره زیاد تر ازین معروف کرد و بر  
ناظرین وسطا لعه کنندگان بحسب اهتمام خود اینجرا احتیثه  
واضح مینمایم  
وضع جغرافیائی دره داوس در تمام نقشه جات سوپس که تدر  
مفصل تر و مبین تر است بیان کرده و آن واقع در کان تن  
گرنه است که مسافتی از راگاس ندارد ولی با وجود بکه  
امکنه معروف و مشهور در اطراف آن واقع است و بواسطه  
وضع خوش دور نما بکه آن اماکن دارند داوس ازین حیثیات  
مانند آن اماکن نیست لهذا اشخاص بکه تقبیر میآیند و آنها  
برای انکشاف بعضی مطالب بان سمت سیاحت میکردند  
اعتنای بان مکان تا این زمان نداشتند و در دره داوس  
جز چوپاها کس دیگر سکنی نداشت تا در سنه هزار و هشتصد و  
شصت و یک مسیحی که یک مهاجرانه در اینجا بنا شد و متوطنین  
شهرهای مجاور تا بستان را دارا بنجامده بر میگردند چند  
سال بعد اینجا شهرتی در تمامی اروپا پیدا کرد و هنوز هیچ راه  
آهنی با اینجا کشیده نشده بود و آخرین محل توقف کالسکه راه  
آهن با اینجا لاند کار است و از اینجا داوس راهی است که  
بچاپاری هشت ساعت میروند و راه آهن مذکور از میان  
دهکده های ناشکوه خونی عبور مینماید و از اطراف کورالها  
وسعه و چینه های سبز با صفا و خوشی که از چشمه های سرد  
خنک مشروب میشوند میکند و جینال مرتفعه که از برف  
پوشیده شده در دو طرف بطبقات مختلفه واقع اند و هر چه  
پیش میروند اشجار با شمرید بار میشود و بعد بعوض آنها کلهه  
ولا بات سرد سرد درخت بلوط و کاج کاشته شده و در ماه  
ژون که کمی بعد حرارت هوا در نهایت اشده میشود در اینجا  
هنوز بخار و طراوت آن معلوم است و اشخاص شمالی مخصوصا  
زوسپان میتوانند مثل این پیدا کنند که در اقلیم خودشان  
هستند

نتایجی که از معالجات در داوس بدست آمده بسیار معروف و  
زیاد است و طلبی که بطور یقین کمی را بان امید نور و باعث  
انقلاب علم شده معلوم کرده که دیگر لازم نیست مرضی با ما  
حاره فرستاد بلکه میتوانند در نواحی بارده شده معالجه شوند  
و داوس ازین حیثیت شهرت زیادی در مغرب زمین پیدا کرده



دپواری که در برابر اطاق چراغ داواست بخوبی روشن و نمایان  
 بلکه از آن دپوار قدری روشنایی بمحجر شمام هم میرسد بهمین  
 طریق نوری که از ماه بر ما میتابد بنسبت مکران نوری که از  
 آفتاب بر آن تابیده است

احمد چراگاهی شکل ماه مستد پراست و اغلب بشکل  
 داس میباشد  
 کاظم ایجهه اینکه ماه در دور زمین حرکت میکند و بنا بر  
 اماکن مختلفه که در آسمان متصرف میشود ما مقدار کم باز باد  
 از آن رویت میکنیم

احمد پس ما پیش از نصف ماه را رویت نمیتوانیم کرد  
 کاظم شکی درین معنی نیست و وقتی که این نیمه کره ماه را  
 مستد پرمی بینیم از ابد در میانیم و چون این حالت همیشه  
 در او اسطره ماه دیده میشود عوام آنرا ماه شب چهارده  
 نیز میگویند اکنون برای شما بیان میکنم که چرا گاهی آنرا بشکل  
 داس مشاهده مینمائیم باز میرویم سر شمع قدیم خود که همیشه  
 بجای آفتاب بکار میبردیم و نارنجی را هم که بجای زمین فرض  
 کرده بودیم بر میگردیم و علاوه بر این یک کوی کوچک عاجی را  
 بجای ماه میگیریم و تماشا میکنیم چگونه میشود که مادر کن  
 زمین واقع باشیم و آفتاب منور و ماه مستد باشند و ما گاهی  
 ماه را بدین معنی مانند قرص مدوری میبینیم و اغلب آنرا بشکل  
 داس یا ربک یا کلفتی مشاهده مینمائیم

محمود اقاخان همه این اجزا حاضر اند و من خیلی مستظرم این  
 مطلب را بفهمم

کاظم مرجعاً شمع را برابر خود میگذارم محمود نارنج را قدر  
 از شمع دور نگاهدار و من کوی عاج را در دور نارنج حرکت  
 میدهم مثل اینکه کفتم ماه در دور زمین حرکت میکند فرض  
 کنیم که یک مورچه در روی نارنجی که بجای زمین است نگاه  
 کند بجانب کوی که بمنزله ماه است این مورچه بالفرض بکفر

از سکنه زمین است که بماء نظر میکنند درین صورت چه خواهد  
 دید مطابق شکل سی و یکم



وقتی که آن کو در نقطه از فضا بین شمع و نارنج واقع میشود مو  
 هیچ نمی بیند زیرا که نصف مستد پرمی با جانب شمع  
 واقع است و مورچه بچاره هیچوجه آن کو را مشاهده نمیکند  
 زیرا که نصف سایه آن بجانب اوست ولی همین قدر که آن کو دور  
 میزند و بمحل نزدیک میشود آن مورچه کم کم بجزء از نصف  
 مستد پرمی بیند و گویند ماه بحالت هلال است و وقتی که  
 کو بجای ج رسد ربع دوره خود را طی کرده است و اگر چه همیشه  
 نصف آنرا آفتاب روشن کرده ولی مورچه ربع آنرا بیشتر نمیبیند  
 و وقتی که بمحل د رسد مورچه بیشتر از آن نصف مستد پرمی  
 نمیبیند و عاقبت بنقطه ق که رسد نصف دوره خود را طی  
 کرده است و مورچه تمام نصف مستد پرمی را میبیند و آنوقت گویند  
 ماه بحالت بدراست و همچنین وقتی که کوی عاج بمکان و  
 رسد باز مورچه تمام نصف مستد پرمی را میبیند و وقتی که  
 بنقطه ز میرسد ماه سه ربع دور خود را طی کرده و باز بشکل  
 داس متلی یا ربع سبب بنظر میآید و در صورتیکه بمحل ح  
 برسد شکل ماه مانند نقطه ب هلالی میشود بعلمت اینکه  
 پیش از قطعه از نصف مستد پرمی کو نمیبیند و بالاخر باز کو  
 بنقطه آمیرسد و مورچه دوباره هیچوجه آنرا نمی بیند و شب  
 او پناه صبح میشود ما بمنزله مورچه و نارنج بمنزله زمین و کوی  
 عاج بمنزله ماه و شمع بمنزله آفتاب است و حالات مختلفه که ماه  
 در اوقات متوالیه بنظر میآید معروف اند

اینکه تشریح کنند و همین قدر که بماء نظر میکنیم از رویت جزء  
 مستد پرمی معلوم میشود که آفتاب از کدام سمت افق آنرا  
 روشن کرده است  
 بقیه در نمره آیه

## جواب سیزدهم از جعفر

بر مطلب رفته و در روزنامه علمیه واقف شدم  
 شهدا الله آنچه تصور نمودم جز غرض فاحش که بر ارباب انش  
 مخفی نیست هیچ نیافتم اگر چه و ما ابروی نفسی انسانی در هر  
 رتبه و مقام که بوده باشد خالی از خللی نخواهد بود بابت  
 مورد چنانچه خود را ستوده و از صاحبان فصل و علم دانسته  
 نیز بشود و بجهت این قوم را پیش نهاد خود فرمائید این طایفه  
 مسلک است اولاً اگر بر غلطی مطلع شوند بعین لطف اغماض  
 فرمایند و بالفرض مهمل تعرض کنند با لطف اشاره و احسن عبادت  
 تنبیه بمواضع غلط نمایند و بقانون علم و ادب مناظر سازند  
 نه رجماً بالغیب و علی العنی هر چه زینند علی ای حال چند  
 ایرادی که بر زعم خود فرموده بودند بر مطالب این بند از قبیل  
 عربی بودن و قدم عهد و ترجمه ساختن هیچکدام وجه مستحضر  
 بنظر نیامد کما لا یخفی علی من له ادنی بصیره فی العلم بلکه اقدام  
 و شایع تر و که فایده تراز سایر مطالب که از بد و ایجاد روزنامه  
 علمی الی حال ثبت افتاده و میشود نخواهد بود از قبیل ترجمه  
 سعودی و حمن اصفهانی و مسئله سکه بخلایفه الحجاب  
 و حکایت موسی و خضر علیهما السلام و جونا شدن تراختلاف نسبت  
 در آیات شریفه که متون کتب تفسیر از قبیل صافی و بیضاوی  
 مشحون است از اجوبه صحیحیه مسکنه درین خصوص پس درج  
 اینگونه اخبار در روزنامه علمی معمول است و شک نیست که  
 اغلب علوم خالیه با ترجمه از لسان عرب و اروپاست با آنکه تا لفظ  
 از کتب مستقدین است خلاصه اینکه متعرضا فرموده بودند  
 صحت حال سبصد سال قبل ازین که در امر نیاند که با من غیر  
 دوپه اعتراض کرده باشند خوب بود احتمال میدادند که غیر  
 ایشان هم کمی است که مطلع بر اقوال متاخرین بوده باشد زیرا که  
 روزنامه نخله الادبیه منطبق بر لندن زمان طبع او سبصد سال  
 نبوده باشد بدوجه قریب العهد است که جنگ اخیر دولتین  
 روس و عثمانی را متعرض است و گذشته ازین اصولی که عرض  
 میشود تفسیر پذیر نبوده و نیست و از سبصد قبل ازین هیچ  
 استداره که ارض بمربع و با قطب شمال مجنوب تبدیل نشده است  
 جز از خط استوا سبذ عرض نشاید و طول غیر از دایره نصف النهار  
 بهمت شرق و مغرب معتبر نباشد که اولس بجای جبل دماوند

نیامد و در بنای مدی ترانه تفسیر مکان نداده است قیمت اروپا  
 با سبوا و آسیا با فزریق و افزریق با مریک تبدیل شده است و اگر شده

## جواب مسئله اولی

جواب مسئله اولی آنکه تفسیر عبارت خضر در مکالمه حضرت موسی  
 بقانون علم و حکمت است زیرا که بد و افعال و اراده خود را فعل و اراده  
 الهیه بخواند تا موجب حشمتی نشود خرق سفینه رانست  
 بخود دارد و فرمود فارادت ان اعینها پس از آنکه مطابقت افعال خود  
 با حکمت و مصلحت متبیین نمود انگاه در قتل غلام اراده خود را تابع  
 اراده الله خواند فاردتا فرمود و در اقامت جدا ر اراده خود را  
 اراده الله نامید فرمود فارادت انک چنانکه مولوی راست  
 آن پیرا کث خضر بر بدخلق سزاوار در بناید نام خلق آنکه جان بخشد  
 اگر یکشد رواست نایب است دست او دست خداست و نام او پیر  
 مقول حبشور و پدرش سلاس و مادرش شاهویه بود عوض آن پیر خدا  
 دختری باها کرامت فرمود که بمزاجت یکی از اینها مخصوص شد  
 هفتاد پیغمبر از نسل آنها بدکشت و نام آن دو بیتم صاحب کج احرم  
 و حریر بوده و آن بلد که بنای دیوار در آن فرمود بقولی انطا که آ  
 از دیار شام که بانی ان نظهوس از بقایای اولاد اسکندر است واقع  
 در سی شش درجه و ده دقیقه عرض شمالی و ۳۰ درجه و ۱۰ دقیقه طول  
 شرقی از نصف النهار لندن و بقولی ابله است که مابین شام و حجاز واقع  
 کافی التوارنج و بین بنبع و مصر کافی القاموس و منافاتی نیست زیرا که شهر  
 مزبور در جنوب شام و دیار فلسطین و سوریه و در شمال حجاز و بین و در  
 بنبع و شرق مصر واقع است در ۲۱ درجه و ۲ دقیقه عرض شمالی و ۵۲ درجه  
 و ۱۰ دقیقه طول شرقی و بمسافتی مایل انگلیسی شمال شرقی طور سبنا  
 جمعی را عقیداً بنست که حتماً این قصه موسی بنی عمران نیست زیرا که او از خضر  
 بوده بلکه موسی بنی منسی بنو سفید است و زبان او قبل از ظهور کلمه بوده  
 جواب مسئله ثانیه مجمع البحرین را گفته اند ملقباً بمجرر ووم و مجرر فادس است ولی  
 در نقشه جغرافی اطللس جدید منطبع در ممالک عثمانیه مصیبت شعبه غیرتین  
 در بحر سفید مجمع البحرین گفته و بعضی گفته اند تنکه واقع بینا بین بحر احمر (فلزم)  
 و بحر سفید چنانکه در تفسیر فلما بلغنا مجمع بینهما گفته اند یعنی راضی بین  
 که موسی پوشع در اینجا بضر و چشمه رسیده و ما بریان روان بان و در آب  
 هذ نفخه من نسایم البشا و نفخه من قیام البشانی و جد جدار پیدان بنفص  
 اناله الله مرابه و من امر علی الهد و التقویض فالی الله التقویض محمد حسین  
 محمد حسین